



شورای ملی ایرانیان آمریکا به ترامپ توصیه کرد:

## گشایش حداکثری با ایران

شورای ملی ایرانیان آمریکا ( ) سال ۲۰۱۶، توصیه‌های سیاستی خود را در خصوص تعامل آمریکا با خاورمیانه و بالاخص ایران، با روی کار آمدن رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا (ترامپ) تحت عنوان «گشایش حداکثری با ایران؛ رئیس‌جمهور ترامپ چگونه می‌تواند امنیت منافع آمریکا در خاورمیانه را تأمین کند.» ( ) منتشر کرده است.

آگاهی یافتن از موضوعات مدنظر اندیشکده‌ها و مؤسسات مطالعات راهبردی در جهان یکی از ضرورت‌های تفکر راهبردی در ایران است. تحلیل‌گران و استراتژیست‌های ایرانی برای ارائه تحلیل‌هایی که متضمن تأمین منافع ملی باشد به شناخت گزارش‌های اندیشکده‌های خارجی نیازمند هستند. مرکز بررسی‌های استراتژیک با هدف توجه دادن کارشناسان و تحلیل‌گران کشور، و همچنین جهت اطلاع‌یابی مدیرانی که در معرض مسائل و تصمیم‌گیری‌های راهبردی هستند، نسبت به ترجمه و بنا به مورد انتشار محدود یا عمومی مجموعه‌ای از متون راهبردی اقدام می‌کند. مرکز بررسی‌های استراتژیک اگرچه پیشگفتارهای کوتاهی را به ابتدای این گزارش‌ها می‌افزاید و تلاش دارد تا قرائت تحلیل‌گران این مرکز از هر گزارش را ارائه نماید، اما مندرجات این گزارش‌ها الزاماً بیانگر دیدگاه‌های مرکز بررسی‌های استراتژیک نیستند. گزارش گشایش حداکثری با ایران؛ رئیس‌جمهور ترامپ چگونه می‌تواند امنیت منافع آمریکا در خاورمیانه را تأمین کند. با همین هدف ترجمه شده است.

در این گزارش آمده است:

منافع ملی ایالات متحده حکم می‌کند که برای حل و فصل تنش‌های باقیمانده با ایران و کمک به ایجاد ثبات در خاورمیانه، به توافق هسته‌ای با ایران تکیه کند. توافق هسته‌ای خود کمک شایانی به ثبات منطقه‌ای بود و خطر دستیابی ایران به بمب هسته‌ای و تقابل نظامی با این کشور، به نحو قابل توجهی کاهش یافت. این توافق نشان داد که دیپلماسی با ایران می‌تواند به‌رغم تردیدها نسبت به صداقت این کشور، بی‌میلی رهبری ایران به پایبندی به این توافق، یا توانایی تندرهای ایرانی برای برهم زدن دیپلماسی، ثمربخش باشد.

اگر دیپلماسی بتواند در حل و فصل بی‌ثبات‌ترین و پیچیده‌ترین تنش بین ایالات متحده و ایران - یعنی مناقشه هسته‌ای - موفق و نتیجه‌بخش باشد، رئیس‌جمهور ترامپ هم باید برای حل مسالمت‌آمیز یا مدیریت اختلافات باقیمانده بین واشنگتن و تهران به دیپلماسی متوسل شود. بی‌شک، این مسأله ساده‌ای نیست. تمایل و قابلیت ایران در تعامل با ایالات متحده در امور منطقه‌ای، هنوز کاملاً به‌بوته آزمایش گذاشته نشده است. سیاست داخلی ایران (و آمریکا) هم‌چنان چالشی بالقوه برای تعامل مداوم و پایدار به حساب می‌آید. علاوه بر این، منافع ایالات متحده و ایران در برخی حوزه‌ها کاملاً

متضاد هستند -مانند مسأله اسرائیل و فلسطین- و در بهترین حالت، اختلافات آن‌ها می‌تواند کنترل شود. در حوزه‌های دیگر، مانند نبرد علیه دولت اسلامی، منافع آن‌ها عمدتاً هم‌پوشانی داشته و هر دو طرف از همکاری و هماهنگی بیشتر، نفع خواهند برد.

اما بی‌شک منافع ایالات متحده حکم می‌کند که رابطه خود با ایران را بهتر کند تا دو کشور روابطی کارآمد -هرچند نه بی‌نقص- داشته باشند. نیم‌نگاهی گذرا به شطرنج ژئوپلیتیکی، ضرورت این رابطه کارآمد را نشان می‌دهد. ایران قدرت ژئوپلیتیکی قابل‌توجهی دارد میزان جمعیت و امکان بالقوه برای تولید ثروت- و در نتیجه این کشور مصمم است که یکی از قدرت‌های اصلی در خاورمیانه بزرگ باشد. واشنگتن نمی‌تواند این واقعیت را تغییر دهد؛ بدون دخالت ایران هم نمی‌تواند در خاورمیانه ثبات را برقرار سازد. یا ایران بخشی از راه‌کار منطقه‌ای خواهد بود یا اصلاً راه‌حلی در کار نخواهد بود. مسأله تنها در اینجا است که ایالات متحده چگونه با ایران و نقش آن به‌عنوان یکی از قدرت‌های مهم در منطقه مواجه می‌شود. با تصدیق این واقعیت که ایران را نمی‌توان برای مدت نامعلومی محدود کرد، تعقیب سیاست عدم مداخله به حال منافع ایالات متحده مضر خواهد بود.

#### جنبه‌های مختلف این گزارش

این گزارش به هشت جنبه مشخص از رابطه ایالات متحده و ایران پرداخته و بررسی می‌کند که چگونه می‌توان از رهگذر اتخاذ تمهیدات کوتاه‌مدت و بلندمدت در خصوص جنگ سرد سعودی-ایران؛ جنگ داخلی سوریه؛ ایجاد یک دولت کارآمد عراقی؛ ایجاد ثبات در افغانستان؛ رژیم تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا؛ امنیت انرژی و مسأله حقوق بشر در ایران، منافع ملی ایالات متحده را پیش برد.

ضرورت بهبود روابط ایالات متحده و ایران، مشکلات باقیمانده بین دو کشور خصوصاً حمایت ایران از حزب‌الله و موضع این کشور در قبال اسرائیل را تحت‌الشعاع خود قرار نمی‌دهد. هرچند این احتمال وجود دارد که در صورت قرارگرفتن روابط ایالات متحده و ایران در مسیر درست، موضع ایران در خصوص این دو مسأله هم تغییر کند. اگر رئیس‌جمهور ترامپ به فرآیند ادغام دوباره ایران در ساختارهای سیاسی و اقتصادی منطقه ادامه دهد، ایران هم راه‌هایی برای هم‌گامی با همسایگان عرب خود، کاهش تنش‌های متقابل و حفظ عمق استراتژیک خواهد داشت که می‌تواند برای هر دو طرف سودمند باشد. این امر باعث تشویق ایران به دست کشیدن از سیاست‌های ضداسرائیلی می‌شود که به‌طور سنتی از این دشمنی برای دستیابی به اهداف و رفتارهای فوق‌الذکر استفاده کرده است.

نویسندگان این گزارش و پژوهشگران سیاست خارجی که در مجموع یافته‌ها و توصیه‌های این گزارش را تأیید می‌کنند، برخی برداشت‌های کلی را مطرح می‌کنند که پایه و راهنمای این تحلیل هستند. تفاوت گزارش ما با دیگر گزارش‌های مشابه، در این است که عوض توصیه‌های منفعلانه، به ارائه رهکردهای مبتکرانه‌ای می‌پردازد که برخی از کارشناسان پیشگام این حوزه مطرح کرده‌اند و چند تن از این کارشناسان به تهیه پیش‌نویس‌های اولیه پرداخته‌اند. این گزارش

مشمول بر هشت فصل درباره ضروری‌ترین مسائل پیش روی روابط ایالات متحده-ایران و بهترین راه برای پیشبرد منافع ملی ایالات متحده است. یافته‌های اصلی شامل موارد زیر می‌شود:

روابط ایالات متحده ایران

عربستان سعودی

عراق

سوریه

افغانستان

تحریم‌ها

امنیت انرژی

حقوق بشر

توصیه‌های سیاستی هشت‌گانه شورای ملی ایرانیان آمریکا ( ) به ترامپ:

## ۱. روابط ایالات متحده ایران

رئیس‌جمهور ترامپ باید محرمانه به رهبران ایران پیام دهد که آمریکا به دنبال سرنگونی حکومت ایران نیست و در عوض برای بنا گذاشتن منافع مشترک و مدیریت مسالمت‌آمیز اختلافات، درصدد تعامل پیوسته دیپلماتیک برآید. دنبال کردن این امر مستلزم چهار گام است: ایالات متحده باید پایبندی خود به اجرای جدی تعهدات این کشور در توافق هسته‌ای را ابراز دارد؛ به دنبال برقراری فوری تماس بین وزیر امور خارجه جدید و وزیر امور خارجه ایران باشد؛ علناً بر رهبری وزارت خارجه در وظیفه اجرای بین‌سازمانی توافق هسته‌ای تأکید دوباره کند؛ ارزیابی درون‌سازمانی سطح بالایی از ابعاد و گستره‌ای که سیاست جدید تعامل یا تعارض با دیگر مؤلفه‌های سیاست ایالات متحده در قبال ایران دارد، صورت دهد؛ و سرانجام، نحوه تنظیم دوباره این سیاست‌ها برای سازگاری بهتر با دوران پس از توافق هسته‌ای را روشن سازد. رئیس‌جمهور ترامپ برای پیشینه‌سازی احتمال موفقیت پیگیری این گام‌ها باید به فکر انتصاب یک فرستاده ویژه برای ایران باشد تا متضمن تداوم و اعتمادسازی در روابط ایالات متحده و ایران باشد. این فرستاده ویژه باید پیشینه و سابقه کار تعامل دیپلماتیک موفق با ایران را داشته باشد.

## ۲. عربستان سعودی

رئیس‌جمهور ترامپ باید مستقیماً به اطلاع عربستان سعودی و ایران برساند که منافع آمریکا حکم می‌کند از جانب‌داری

در جنبه‌هایی از رقابت سعودی-ایران که خطری را متوجه منافع ایالات متحده نمی‌سازند، پرهیز کند و دولت ترامپ طرفدار تنش‌زدایی و تجدید روابط بین دو کشور است. ایالات متحده برای رسیدن به این هدف باید ریاض و تهران را ترغیب کند که با طراحی و اجرای تمهیدات نظامی اعتمادساز در خلیج فارس از خطر جنگ اتفاقی بکاهند؛ با طراحی و اجرای استراتژی‌های مورد توافق طرفین برای دربرگیری و نابودی دولت اسلامی، علیه تروریسم با هم همکاری کنند؛ برای کاهش فرقه‌گرایی و ترویج مدارا، گفتگوهای سنی-شیعه را از سر بگیرند؛ و ایالات متحده باید مانع تلاش‌های تهران یا ریاض برای حمایت از گروه‌های مخالفی شود که درصدد براندازی حکومت‌های این کشورها هستند، شده و از طرفین بخواهد که یک پیمان عدم تجاوز مناسب منعقد سازند.

### ۳. عراق

رئیس‌جمهور ترامپ باید بی‌درنگ در داخل عراق به ایجاد کانال‌های ارتباطی دیپلماتیک و نظامی در سطوح بالا با ایران دست بزند. او باید به مقامات ایالات متحده، حتی در سطح وزیر امور خارجه، اجازه دهد که با هماهنگی نزدیک با هم‌تایان ایرانی خود کار کنند و همچنین باید یک گروه سه‌جانبه ایالات متحده-عراق-ایران، در سطح مقامات ارشد و نهایتاً در سطح وزرا تشکیل دهد. ایالات متحده باید با ایران همکاری کند تا درباره اتحاد‌های رسمی دو کشور در عراق صراحت و شفافیت بیشتری وجود داشته باشد و این همکاری را مبنایی برای همکاری امنیتی بهتر و ایجاد ثابت در منطقه سازد؛ خواهان اصلاحات در قانون اساسی شود تا فقدان جامعیت و فراگیری حکومت عراق را حل کند؛ برای بازسازی ارتش عراق بر یک مبنای غیرفرقه‌ای با واحدهای متشکل از همه اقشار و بازرسی بهتر از افسران برای مقابله فساد با ایران همکاری کند؛ و مشترکاً حکومت عراق را تحت فشار قرار دهند تا شفافیت بیشتری به خرج داده و به اجرای تمهیداتی برای مسئولیت و پاسخ‌دهی دست بزند تا این اطمینان حاصل شود که ثروت نفتی کشور عادلانه و صرف‌نظر از مذهب یا قومیت به دست شهروندان می‌رسد و به خشکاندن ریشه نفرت و ستیزه‌جویی در قبال اقلیت‌ها کمک می‌کند.

### ۴. سوریه

رئیس‌جمهور ترامپ باید به تهران اطلاع دهد که مایل است از مداخله نظامی جدی‌تر در سوریه که موجب تشدید جنگ خواهد شد (از جمله ایجاد منطقه پرواز ممنوع) صرف‌نظر کند و در عوض تهران باید در خصوص سرنوشت بشار اسد مصالحه کند. او باید دست‌کم در طول مرحله انتقالی، از درخواست خود مبنی بر کناره‌گیری بشار اسد به عنوان پیش‌شرط پایان جنگ چشم‌پوشی کند. در عوض، واشنگتن باید دیپلماسی خود با روسیه، عربستان سعودی، ترکیه، ایران و سوریه را تقویت کند تا در سوریه آتش‌بس موقت برقرار شود و اجازه دهد که کمک‌های بشردوستانه سرازیر شوند و برای دستیابی به شیوه‌ای غیرمتمرکز و تقسیم قدرت حکومت در سوریه تلاش کند تا تمامیت ارضی این کشور حفظ شود. ایالات متحده برای رسیدن به این هدف باید با ایجاد یک کانال دیپلماتیک دوجانبه برای هدف مشخص هماهنگی در خصوص تلاش‌هایی که پیش‌تر ذکر شد و همچنین شکست داعش، جبهه النصره و دیگر گروه‌های تروریستی در سوریه که تهدیدی برای امنیت ملی ایالات متحده و ایران محسوب می‌شوند، گفتگوی خود با ایران درباره سوریه را حفظ،

تقویت و نهادینه کند. رئیس‌جمهور ترامپ برای دستیابی به همه این‌ها باید منافع برحق تهران و ریاض در سوریه را به رسمیت شناخته و هر دو کشور را تحت فشار قرار دهد تا از تقاضاهای تمامیت‌خواهانه و حداکثری خود دست بکشند و اگر هر کدام از این کشورها دست به اقدامی بزنند که تأثیر نامطلوبی بر منافع آمریکا بگذارد، کشور خاطی را یکسان مجازات کند.

## ۵. افغانستان

رئیس‌جمهور ترامپ باید به مقامات ایالات متحده، حتی در سطح وزیر امور خارجه، اجازه همکاری نزدیک با همتایان ایرانی را بدهد و از این رهگذر بحران‌های سیاسی مرتبط با مشکلات فراروی اجرای توافق دولت وحدت ملی افغانستان را مرتفع سازد. علاوه بر این، واشنگتن باید با تشکیل یک گروه سه‌جانبه ایالات متحده-افغانستان-ایران در سطح مقامات ارشد و نهایتاً در سطح وزرا با تهران همکاری کند. از این رو، آمریکا باید یک‌جانبه تحریم‌های اجرایی خود که بر اساس آن استفاده از بودجه ایالات متحده برای خرید کالا یا خدمات از ایران ممنوع است را تعدیل و به گونه‌ای تنظیم کند که به بیان دقیق‌تر امکان تأمین بودجه برای طرح‌های مورد تصویب در افغانستان فراهم شود. سپس واشنگتن باید بررسی کند که بهترین راه بسیج منابع برای توسعه قابلیت بندر چابهار و مسیرهای زمینی به شمال و شرق این بندر کدام است و چگونه می‌تواند شرکت‌های ایالات متحده را در این برنامه‌ها شرکت دهد. موفقیت در راه‌اندازی مسیر حمل‌ونقل از چابهار به واسطه همکاری ایالات متحده با هند و نهایتاً ایران، هم منافع استراتژیک و هم منافع اقتصادی آمریکا را به همراه دارد.

## ۶. تحریم‌ها

رئیس‌جمهور ترامپ باید بی‌درنگ به‌طور علنی اعلام کند که هر لایحه تحریمی که تعهدات ایالات متحده در برجام را به خطر بیندازد و تو خواهد کرد و آمادگی مواجهه با کنگره در مقابل قوانینی که هدفشان نقض توافق هسته‌ای باشد را دارد. علاوه بر این، باید گشایش‌های تجاری استراتژیک با ایران در حوزه مرتبط با انرژی، امور مالی و فناوری را لحاظ کند تا به شیوه‌ای سازنده برای منافع ملی آمریکا، منشأ نفوذ و اهرم فشار تازه‌ای بر رهبری ایران و مردم این کشور پیدا کند. از این جهت، رئیس‌جمهور ترامپ باید به‌عنوان هدفی بلندمدت‌تر، گام‌های لازم برای رفع ممنوعیت تجارت ایالات متحده با ایران را بردارد و انتظارات متقابل آمریکا از ایران را تعیین کند.

## ۷. امنیت انرژی

رئیس‌جمهور ترامپ باید با هدف برقراری موازنه در مقابل نفوذ روسیه در بازار گاز، تقویت رابطه متقابل اقتصادی منطقه‌ای جهت کمک به برقراری ثبات در خاورمیانه و حمایت از توسعه اقتصادی که گروه‌های افراطی را به حاشیه می‌راند، بی‌درنگ گفتگو پیرامون امنیت انرژی دوجانبه در سطح وزرا با ایران برقرار کند. ادغام طرح‌های نفت و گاز ایران

در ساختارهای منطقه‌ای موجود و ایجاد پیوندهای امنیت انرژی بین واشنگتن و تهران می‌تواند در دستیابی به این اهداف کمک کند. در راستای تسهیل این تغییرات سیاستی، رئیس‌جمهور ترامپ باید موانع حقوقی و سیاسی موجود بر سر راه توسعه بخش گاز ایران را مرتفع ساخته و به ایجاد یک خط مشی مشابه با آسه‌آن برای توسعه منطقه کمک کند.

## ۸. حقوق بشر

بسیار مهم است که در روابط ایالات متحده و ایران، جنبه حقوق بشر به دست فراموشی سپرده نشود. با در نظر گرفتن شرایط خاص در ایران و تاریخ روابط ایالات متحده-ایران، قاعده نخست باید این باشد که: حمایت از حقوق بشر موجب صدمه و آسیب نشود. رئیس‌جمهور ترامپ باید به توصیه خود ایرانی‌ها، به‌ویژه در مورد تغییر و توسعه، توجه کند. از این رو، او باید حمایت ائتلاف-محور از سازوکارهای بین‌المللی متمرکز بر وضعیت حقوق بشر ایران، مانند گزارشگر ویژه سازمان ملل برای حقوق بشر ایران را حفظ کند. واشنگتن باید درباره مسائل حقوق بشر در ایران در خصوص اقلیت‌های قومی و مذهبی، زنان و کلاً جامعه مدنی، موضعی اصولی اتخاذ کند. با این حال، واشنگتن نباید از حقوق بشر به‌عنوان ابزاری سیاسی برای پیشبرد اهداف دیگر خود در مورد ایران بهره جوید، اهدافی که وضعیت حقوق بشر در ایران را تضعیف کرده و به اعتبار ایالات متحده صدمه می‌زنند. برای اینکه موضع آمریکا در قبال نقض حقوق بشر در ایران موجه و قابل قبول باشد، این کشور باید موضعی مشابه در قبال کل خاورمیانه اتخاذ کند. رئیس‌جمهور ترامپ باید گام‌های محکمی بردارد تا نشان دهد که آمریکا در صدد آسیب رساندن به ایرانیان بی‌گناه نیست، گام‌هایی مانند تسریع رسیدگی به معاملات مالی قانونی که امکان خرید هواپیماهای مسافربری جدید از ایالات متحده را برای ایران فراهم می‌سازد. واشنگتن باید به استفاده از کانال‌های دوجانبه و چندجانبه دیپلماتیک ادامه دهد تا لزوم امنیت و حفاظت از شهروندان دارای تابعیت دوگانه و شهروندان خارجی، در برابر بازداشت خودسرانه را مطرح کرده و آزادی تمامی شهروندان دارای تابعیت دوگانه‌ای که در حال حاضر به ناحق در ایران زندانی هستند را پیگیری کند.

نتیجه اینکه:

منافع ملی ایالات متحده قویاً حکم می‌کند که رئیس‌جمهور ترامپ، کاری که باراک اوباما آغاز کرد را به سرانجام برساند: به فرایند تغییر و دگرگونی روابط ایالات متحده-ایران ادامه دهد تا طی زمان روابط را تغییر داده، از تنش‌ها بکاهد و به دو کشور امکان دهد که هر کجا منافع‌شان هماهنگ بود، همکاری داشته باشند. شاید ایالات متحده و ایران به این زودی‌ها دوستانی صمیمی نشوند، اما دیگر لزومی هم ندارد که بدترین دشمن یکدیگر باشند. مشکلات ادامه خواهد داشت، اما به حدی نخواهد بود که مستلزم بی‌اعتنایی یا نادیده گرفتن این حجم قابل ملاحظه از منافع هم‌پوشان باشد.

روابط ایالات متحده و ایران با وجود برجام و کانال‌های ارتباط دوجانبه آنلاین در سطوح بالا به بالاترین حد خود در ۳۷ سال گذشته رسیده است. اگرچه، با احتمالاً در سال‌های پیش رو، روابط ایالات متحده-ایران عمدتاً خصومت‌آمیز خواهد ماند. برجام نشان می‌دهد که با استفاده از دیپلماسی مستمر و مصمم می‌توان آن جنبه‌های از رابطه ما با ایران که مدت‌ها

محل مناقشه بوده‌اند را تغییر داد. منافع ملی آمریکا حکم می‌کند که رئیس‌جمهور ترامپ به آزمودن این گزاره که دیپلماسی پایدار و مستمر بیشترین احتمال کاهش نتیجه‌بخش تنش‌ها و مدیریت اختلافات را فراهم می‌سازد، ادامه دهد.

این گزارش چندین چالش امنیت ملی که برای منافع آمریکا اهمیتی حیاتی دارند را مورد بررسی قرار داده است: روابط ایالات متحده-ایران، تنش‌های عربستان سعودی-ایران، عراق، سوریه، افغانستان، آینده تحریم‌ها، امنیت انرژی و حقوق بشر. حضور ایران برای دستیابی به راه‌حل برای یک یک این چالش‌ها حیاتی و تعیین کننده است. رابطه کنونی آمریکا با ایران و تلاش‌های دیرینه برای حل مشکلات بدون حضور ایران سر میز مذاکره، تنها بر وخامت و تشدید این چالش‌ها افزوده است.

وقتی دونالد ترامپ در ژانویه ۲۰۱۷ وارد کاخ سفید شد، نباید به دنبال پاسخ برای این پرسش باشد که آیا کاهش تنش‌ها با ایران باعث پیشبرد منافع ایالات متحده خواهد شد یا نه، بلکه باید به دنبال راه‌کار برای کاهش این تنش‌ها با ایران باشد. برجام کلیدی است که می‌تواند قفل بسیاری از مشکلات مهمی که بر منافع ملی آمریکا تأثیرگذارند را بگشاید. همان‌طور که این گزارش نشان می‌دهد، ترامپ باید عاقلانه از این کلید استفاده کند.

امضاکنندگان این توصیه‌نامه عبارتند از:

- پرواند آبراهیمیان (استاد برجسته تاریخ، دانشگاه نیویورک)

- گوردن آدامز (استاد بازنشسته، دانشگاه آمریکایی واشنگتن دی. سی و پژوهشگر ممتاز، مرکز استیمسون)

- آرشین ادیب‌مقدم (استاد اندیشه جهانی و فلسفه‌های مقایسه‌ای، دانشکده مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن و مدیر مرکز مطالعات ایران، انستیتو خاورمیانه لندن)

- رضا اصلان (استاد دانشگاه کالیفرنیا، ریورساید)

- محمد ایوب (استاد ممتاز بازنشسته روابط بین‌الملل، دانشگاه دولتی میشیگان و عضو ارشد مرکز سیاست جهانی)

- کاترین بابائیان (دانشیار تاریخ و فرهنگ ایران، دانشگاه میشیگان)

- اندرو باکوویچ (استاد بازنشسته روابط و تاریخ بین‌الملل، دانشگاه بوستون)

- نرگس باجغلی (دستیار پژوهشی پست دکتری، انستیتو واتسون برای امور بین‌الملل، دانشگاه براون)

- بهمن بختیاری (مدیر اجرایی، بنیاد بین‌المللی برای جامعه مدنی)
- ویلیام بیمن (استاد مردم‌شناسی، مدیر دپارتمان مردم‌شناسی، دانشگاه مینسوتا)
- ریچارد بتس (استاد مطالعات جنگ و صلح و مدیر انستیتوی مطالعات جنگ و صلح، مدرسه امور بین‌الملل، دانشگاه کلمبیا)
- ریچارد بولیت (استاد بازنشسته تاریخ، دانشگاه کلمبیا)
- نوام چامسکی (استاد بازنشسته زبان‌شناسی، انستیتو فناوری ماساچوست (ام.آی.تی.))
- ژوزف سیرینسیونه (رئیس بنیاد پلوشرز)
- جوان کول (استاد تاریخ، دانشگاه میشیگان)
- تایلر کولیس (عضو حقوقی و همکار سیاست‌گذاری، شورای ملی ایرانیان آمریکا)
- ریچارد دالتون (سفیر پیشین بریتانیا در ایران و عضو همکار چاتم هاوس)
- دیک دیویس (استاد بازنشسته مسائل ایران، دانشگاه دولتی اوهایو)
- مایکل سی. دسک (استاد علوم سیاسی و مدیر مرکز امنیت بین‌الملل نوتردام)
- کارل ارنست (استاد برجسته مطالعات ادیان، دانشگاه کارولینای شمالی در چپل هیل)
- جان اسپوزیتو (استاد امور بین‌الملل و مطالعات اسلامی، مدیر مرکز ولید بن طلال برای تفاهم اسلام-مسیحیت)
- تام فارر (استاد دانشگاه در دانشکده مطالعات بین‌الملل جوزف کوربل، دانشگاه دنور)
- فریده فرهی (پژوهشگر مستقل و استاد مدعو دانشکده تحصیلات تکمیلی، دانشگاه هاوایی در مانوا)



- چاس فریمن (سفیر پیشین ایالات متحده در عربستان سعودی و معاون پیشین وزیر دفاع در امور امنیت بین الملل)
- نانسی گالاگر (پژوهشگر ارشد در مدرسه سیاست گذاری عمومی و مدیر موقت مرکز مطالعات بین المللی و امنیتی، دانشگاه مریلند)
- جین آر. گارثویت (استاد بازنشسته تاریخ، کالج دارتموث)
- مارک گازیوروسکی (دپارتمان علوم سیاسی، دانشگاه تولین)
- نیلوفر حائری (استاد مردم شناسی، دانشگاه جان هاپکینز)
- کیوان هریس (استادیار، دپارتمان جامعه شناسی، دانشگاه کالیفورنیا، لس آنجلس)
- رأس هریسون (استاد رویه امور بین الملل، دانشگاه جرج تاون)
- ماری الاین هگل اند (استاد مردم شناسی فرهنگی، دانشگاه سانتا کلارا)
- جورج سی. هرینگ (استاد بازنشسته تاریخ، دانشگاه کنتاکی)
- آستین هوو کریستنسن (سفیر پیشین سوئد در ایران و عربستان سعودی)
- رابرت جرویس (استاد سیاست بین الملل مدرسه ادلی استیونسون، دانشگاه کلمبیا)
- توبی سی. جونز (استادیار، دپارتمان تاریخ، دانشگاه راتگرز)
- پیتر جنکینز (سفیر پیشین بریتانیا در آژانس بین الملل انرژی اتمی)
- رولا جبرئیل (استاد دانشگاه آمریکایی رم)
- توماس جونو (استادیار، امور بین الملل، دانشگاه اتاوا)
- بیژن خواجه پور (مدیر موسسه بین المللی آتیه)

- رامی خوری (عضو ارشد، دانشگاه آمریکایی بیروت و دانشکده مطالعات حکومتی کندی در دانشگاه هاروارد)
- الیزابت کر (استادیار، دپارتمان علوم سیاسی، دانشگاه واشنگتن)
- استفان کینزر (پژوهشگر ارشد امور عمومی و بین‌المللی بنیاد واتسون برای امور عمومی و بین‌الملل، دانشگاه براون)
- لارنس کورب (پژوهشگر ارشد مرکز ترقی آمریکایی و معاون پیشین وزیر دفاع برای نیروی انسانی، امور نیروهای ذخیره، تأسیسات و لجستیک)
- پیتر کوژنیک (استاد تاریخ و مدیر انستیتو مطالعات هسته‌ای، دانشگاه آمریکایی واشنگتن دی. سی.)
- جاشوا لندیس (مدیر مرکز مطالعات خاورمیانه و استادیار مطالعات بین‌الملل، دانشگاه اوکلاهاما)
- جو دیت لرنر (دستیار پژوهشی، مؤسسه مطالعه جهان باستان، دانشگاه نیویورک)
- پیتر لیبرمن (استاد علوم سیاسی، کالج کوبین و مرکز دانش‌آموختگان دانشگاه نیویورک)
- مجتبی مهدوی (مدیر مرکز مطالعات اسلامی و استادیار علوم سیاسی، دانشگاه آلبرتا)
- رضا مرعشی (مدیر پژوهشی، شورای ملی ایرانیان آمریکایی)
- جان میرشایمر (استاد علوم سیاسی، دانشگاه شیکاگو)
- محسن میلانی (مدیر اجرایی مرکز مطالعات استراتژیک و دیپلماتیک و استاد علوم سیاسی، دانشگاه فلوریدای جنوبی)
- صنم نراقی اندرلینی (عضو مؤسس و مدیر اجرایی، شبکه اقدام جامعه مدنی بین‌الملل)
- فرانسوا نیکولو (سفیر پیشین فرانسه در ایران)
- مهدی نوربخش (استاد روابط بین‌الملل، دانشگاه علوم و فناوری هریسبورگ)

- آگوستوس ریچارد نورتون (استاد مردم‌شناسی و روابط بین‌الملل، مدرسه فردریک پاردی مطالعات جهانی، دانشگاه بوستن)
- آرزو اوسانلو (مدیر مرکز خاورمیانه، مدرسه مطالعات بین‌الملل جکسون و استادیار حقوق برنامه جوامع و عدالت، دانشگاه واشنگتن)
- روزبه پارسی (مدیر، گروه پژوهش اروپا-ایران)
- تریتا پارسی (شورای ملی ایرانیان آمریکایی)
- پاول پیلار (پژوهشگر ارشد مهمان مؤسسه بروکینگز و پژوهشگر ارشد مهمان مدرسه خدمات خارجی ادmond والش، دانشگاه جورج تاون)
- دنیل پاتس (استاد مردم‌شناسی و تاریخ خاور نزدیک باستان، انستیتوی مطالعه جهان باستان، دانشگاه نیویورک)
- وی‌لی‌ام. بی. کوانت (استاد بازنشسته، دپارتمان سیاست، دانشگاه ویرجینیا)
- رابرت ریردون (استادیار علوم سیاسی دانشگاه دولتی کالیفرنیا شمالی)
- برنت روبین (عضو ارشد و دستیار مدیر، مرکز همکاری بین‌المللی، دانشگاه نیویورک و مشاور ارشد پیشین نماینده ویژه رئیس‌جمهور در امور افغانستان و پاکستان)
- احمد صدری (استاد جامعه‌شناسی و مدیر مطالعات جهان اسلام، کالج فارت لیک)
- امید صافی (استاد مطالعات ایران، دانشگاه دوک)
- محمد سهیمی (مدیر گروه مهندسی نفت و استاد مهندسی شیمی و علوم مواد، دانشگاه کالیفرنیا جنوبی)
- هادی صالحی اصفهانی (استاد اقتصاد و مدیریت اجرایی کسب‌وکار، دانشگاه ایلینویز در اربانا-شمپین)
- جواد صالحی اصفهانی (استاد اقتصاد، دانشگاه فنی ویرجینیا، پژوهشگر میهمان، مدرسه مطالعات حکومتی جان اف. کندی، دانشگاه هاروارد)

- گری سیک (پژوهشگر ارشد، بنیاد خاورمیانه و استاد مدعو مدرسه امور بین‌الملل و عمومی، دانشگاه کلمبیا)
- تامارا سان (استاد تاریخ اسلام، دانشگاه جورج تاون)
- برایان اسپونر (استاد مردم‌شناسی، دانشگاه پنسیلوانیا)
- روبرتو توسکانو (سفیر پیشین ایتالیا در ایران و هند)
- استفن ون اورا (استاد علوم سیاسی، مؤسسه تکنولوژی ماساچوست (ام.آی.تی.))
- استفن والت (استاد امور بین‌الملل، مدرسه مطالعات حکومتی جان اف. کندی، دانشگاه هاروارد)
- لارنس ویلکرسن (سرهنگ بازنشسته ارتش، رئیس دفتر پیشین کالین پاول وزیر امور خارجه، مدیر پیشین کارکنان بخش برنامه‌ریزی سیاستی وزارت امور خارجه ایالات متحده)
- ماروین زونیس (استاد بازنشسته، مدرسه تجارت بوث، دانشگاه شیکاگو)